

## گزارش دو رویداد به مناسبت اول ماه مه ۱۳۸۷

علی رضا اخوان

پانزدهم اردیبهشت ماه هشتاد و هفت

### سکانس اول - گلگشت خانوادگی کارگران

در چند سال گذشته بنا بر یک سنت جا افتاده در میان کارگران تهران و حومه و چند استان دیگر بخصوص کردستان، خانواده های کارگران چند کارخانه خودروسازی و دیگر کارگران در جمعه ی قبل از روز جهانی کارگر طی گلگشت خانوادگی در دشت خورگدهم می آمدند. از آنجا که جمعیت کارگری گرد هم آمده در این سال ها به چند هزار نفر بالغ می شد و فعالین کارگری به بیان خواسته های واقعی کارگران می پرداختند، امسال دستگاه امنیتی نظام سرمایه داری اسلامی تصمیم جدی به جلوگیری از برگزاری این جشن خانوادگی و گلگشت کارگری گرفت. تا آنجا که کارخانه های خودروسازی از در اختیار قرار دادن اتوبوس به نمایندگان گروه های فرهنگی ورزشی کارگران برای برگزاری مراسم و جابجایی خانواده ها تا محل سر باز زدند. بنابراین کارگران تصمیم گرفتند که این گلگشت عمومی خانوادگی کارگران در پارک چیتگر برگزار شود که همگی به راحتی از طریق مترو و دیگر امکانات حمل و نقل بتوانند در آنجا حضور یابند.

در صبح جمعه ۶ اردیبهشت مامورین امنیتی از ورود چند اتوبوس که توسط خود کارگران اجاره شده بودند جلوگیری کردند، افراد را پیاده و وسایل آنها را بازرسی نمودند و توسط چند خودرو گشت نیروی انتظامی اتوبوس را تا نزدیکی کرج همراهی کرده تا مطمئن شوند در چیتگر هیچ خانواده و جمع کارگری حضور نخواهد یافت. گرچه در این امر هم توفیق کامل نیافتند و جمعیت زیادی توانسته بودند از راه ها و درب های دیگر پارک در محل تعیین شده مستقر شوند برای جلوگیری از پراکندگی و چند تکه شدن جمعیت شرکت کننده، نمایندگان کارگران تصمیم گرفتند که با اطلاع رسانی به دیگران محل مراسم را به پارک جهان نما واقع در نزدیکی پل فردیس کرج انتقال دهند. نهایتاً جمعیتی حدود ۸۰۰ - ۱۰۰۰ نفر از خانواده های کارگران در پارک گردهم آمدند تا جشن روز جهانی کارگر (اول ماه مه) را در کنار هم برگزار کنند.

نیروی انتظامی و اطلاعاتی بلافاصله پارک را محاصره کردند و ماشین های گشتی و نفرات آنها به طور مداوم در نقاط مختلف، جمعیت را واری و زیر نظر داشتند. حتی نمایشگاه عکس کوه که توسط یک کوهنورد برپا شده بود را تعطیل کردند.

خانواده ها تا عصر دور هم بودند و گپ و گفت داشتند. دور هم نهار خوردند و به این ترتیب جشن خود را برگزار کردند. اما نیروهای امنیتی حداکثر تلاش خود را میکردند که نکته ای هرچند کوچک را برای حمله به خانواده ها بهانه کنند. نظام سرمایه داری حتی از برگزاری جشن خانوادگی کارگران به خود می لرزد. امسال اگر چه با تعداد کمتر اما تحت شرایط امنیتی و تهدید نیروهای امنیتی، خانواده های کارگری جشن خود را برگزار کردند.

## سکانس دوم - مراسم خانه کارگر

در شرایطی که هیچ گونه امکان برگزاری مراسم اول ماه مه برای جریانات کارگری بدون تهدید، ارباب، بازداشت، زندان، شلاق و محرومیت بیشتر، برای جریانات مستقل کارگری وجود ندارد، هر ساله خانه کارگر این روز را به صورت فرمایشی، گزینشی و کنترل شده به نمایش در می آورد. این تشکل دولتی که مأمور حفاظت از منافع نظام اسلامی و سرمایه داری و قوانین ضد کارگری می باشد، وظیفه دارد تا با مهار و به انحراف کشاندن سمت و سوی مطالبات واقعی کارگران، خود را به عنوان تنها تشکل کارگری در وپترین نظام به جهانیان معرفی نماید و هر از گاهی با صدور بیانیه و اجرای گرد هم آیی ژست نماینده و صدای کارگران در اعتراض به پایین بودن دستمزد و قراردادهای موقت را بگیرد. دستاورد این تشکل دولتی: کاهش دائمی قدرت خرید، عدم امنیت شغلی، افزایش قوانین و قراردادهای ضد کارگری، آسودگی دولت و سرمایه دارن در بهره کشی افزون تر از نیروی کار و پایمال نمودن شان و حقوق انسانی طبقه کارگر و مزدبگیر بوده است.

در چندین سال گذشته، جهت حفظ امنیت سود سرمایه و منافع انحصاری منصوبین خانه کارگر، با پشتیبانی نیروهای امنیتی و اطلاعاتی، این تشکل غیر کارگری تلاش نموده تا مکان برگزاری مراسم روز کارگر که به طور نمایشی به اجرا در می آید را تا آخرین لحظه پنهان داشته تا کارگران و فعالین کارگری نتوانند با برنامه ریزی و سازمان دهی منسجم برای بیان مطالبات و اعتراضات واقعی خود حضور یابند و همچنین مانع همبستگی کارگران با فعالین و مدافعین حقوق کارگری و پیوند آنها با دیگر جنبش های دانشجویی، معلمان و زنان شود.

ترفند های این تشکل دولتی هرگز با موفقیت کامل همراه نبوده و کارگران و فعالین مستقل کارگری به هر ترتیبی که شده، سیاست های ضد کارگری قدرت حاکمه را، هر چند محدود و پراکنده، افشا نموده اند. نمونه آن در سال گذشته رخ داد که خانه کارگر ابتدا مکان تجمع را در روبروی دفتر خود در خیابان ابوریحان و سپس در آخرین لحظه و صبح همان روز به استادیوم شیروودی تغییر مکان داده و اتوبوس هایی را برای انتقال نیروهای خودی تدارک دیده بود. هنگامی که فعالین مستقل کارگری در یکی از اتوبوس ها جای گرفتند، با وقت کشی از به حرکت در آمدن اتوبوس جلوگیری نموده و نهایتاً اعلان کردند که اتوبوس خراب است و وسیله دیگری هم موجود نیست. فعالین کاگری سریعاً خود را به خیابان انقلاب رسانده و با استفاده از کارت عضویت سندیکای کارگران شرکت واحد که اکثریت اعضای اخراجی به همراه منصور اسانلو و ابراهیم مددی رئیس و نایب رئیس سندیکای کارگران شرکت واحد حضور داشتند، با یکی از اتوبوس های واحد خود را به استادیوم رسانده و با حمل پلاکارد و سردادن شعارهایی در حمایت از تشکل های مستقل کارگری و پخش برشور و بیانیه به کارگران پیوستند.

نکته جالب در چنین مراسم های فرمایشی این است که هدایت کنندگان نیروهای اطلاعاتی و امنیتی مدافع سرمایه داری، به اشتباه تصور میکنند چنانچه از حضور زنان و مردان کارگر، دانشجو و روشنفکر فعال و شناخته شده در حوزه ی دفاع از حقوق واقعی کارگران جلوگیری کنند، دیگر هیچ گونه اعتراضی شکل نخواهد گرفت و اینگونه خواسته ها تنها از سوی فعالین و نیروهای سیاسی مخالف به میان توده های کارگری رسوخ می کند، در صورتی که کارگران و دیگر مزد و حقوق بگیران شاغل و بیکار هر روز و لحظه ی خود را در شرایط تبعیض آمیز و نابرابر محیط کار و جامعه

می بینند و آگاهانه مطالبات واقعی خود را مطرح می کنند. در استادیوم شیروودی و مراسم های مشابه در سالهای گذشته، در جلوی وزارت کار، میدان بهارستان و غیره نیز همین اتفاق روی داد و صد ها پلاکارد و دست نوشته تهیه شده توسط کارگران کارخانه های تهران و شهرستانها به صورت خود انگیخته و خود جوش و متاثر از شرایط واقعی جامعه، این حقیقت را به اثبات رسانده اند.

با پی بردن به این واقعیت، تدابیر جدیدی می بایست از طرف خانه کارگر و نیرو های امنیتی اتخاذ میشد. بنابراین مراسم امسال خانه کارگر با اتخاذ شیوه های جدید امنیتی تدارک دیده شده بود. همچون سال های گذشته تا آخرین لحظه مکان تجمع اطلاع رسانی نشد و با این که امسال اول ماه مه مصادف با ۱۲ اردیبهشت و همزمان با روز معلم، شهادت معلم قهرمان دکتر خانعلی قرار گرفته بود، اما خانه ی کارگر به یک باره تصمیم گرفت تا در روز چهارشنبه ۱۱ اردیبهشت مراسم خود را در نقطه ای دور افتاده در منطقه ی پونک در ورزشگاه خیرالعمل با نفرات محدود و معلوم برگزار کند. ساعت ۱۴:۳۰ در جلوی این ورزشگاه و اطراف آن نفرات بسیار زیادی از نیروهای انتظامی و اطلاعاتی مستقر شده و از ورود فعالین کارگری شناخته شده که عکسهای آنها را نیز در اختیار داشتند، جلوگیری می کنند. حتی بازجویان دادگاه انقلاب و دیگر مراکز امنیتی در درب ورودی ورزشگاه حضور داشتند تا افرادی که قبلا بازجویی نموده بودند را شناسایی و معرفی نمایند. این مساله باعث گردید که تعدادی از فعالین سندیکایی و کمیته های مختلف کارگری موفق به ورود نشوند. مامورین همینطور جلوی افرادی را که مشکوک می شدند گرفته و می پرسیدند که از کدام انجمن اسلامی و بخش خانه ی کارگر دعوت شده اید و در صورتی که جواب قانع کننده ای داده نمی شد، مانع حضور وی می شدند. با وجود اینکه شرکت کنندگان در این مراسم که حدود چند صد نفر می شدند، تمامی به صورت گزینشی دعوت شده بودند، اما باز هم تعدادی از فعالین مستقل کارگری توانسته بودند به داخل بیایند و جالبتر این که باز هم پلاکارد هایی در دست کارگران گزینش شده ی خانه ی کارگر دیده می شد که به مسایل و مشکلات کارگری اشاره می کرد. برای مثال: کارگری هزینه های معمول زندگی را لیست کرده و در انتها فیش حقوقی خود که حدود ۲۳۵ هزار تومان بود چسبانده بود.

با ورود علیرضا محجوب و همراهان وی با سر و صدا از حضار به دفعات خواسته شد که برای سلامتی و به مناسبت راه یابی وی به مجلس صلوات بفرستند، که با عدم استقبال اکثریت شرکت کنندگان روبرو شد. به علت قطع برق شروع مراسم به تاخیر افتاد و محجوب که در حیاط ورزشگاه ایستاده بود با درخواست های کارگران روبرو شد.

پیر مرد کارگری کاغذی به محجوب داد و خواست که آن را بخواند و در روزنامه ی کار و کارگر چاپ کند. در نامه با دست خطی ابتدایی نوشته بود که من در "راهپیمایی تا پیروزی" انقلاب ۵۷ و اعتصابات کارخانه جات در قبل از انقلاب شرکت نموده ام و در پیروز شدن انقلاب سهم می باشم اما اکنون من را اخراج نموده و حقوق مرا نمی دهند. آیا اینچنین از حقوق محرومین پاسداری می کنید. محجوب که جوابی نداشت با عجله کاغذ را در جیب خود نهاد و گفت که رسیدگی میشود. همین فرد در داخل سالن در جلوی دوربین تلویزیون الجزیره مصاحبه ای را انجام داد که کارگران حلقه زده در اطراف وی، او را به شدت تائید و تحسین نمودند. وی در بخشی از مصاحبه ی خود گفت: "هر روز تورم بیشتر میشود و مسئولین یا هیچ اقدامی نمی کنند و یا خود را توجیه می کنند. هیچ کس جلوگیری نمی کند و می گویند تورم جهانی است. وقتی گوشت در ایران به کیلویی ۹ تا ۱۰ هزار تومان می رسد، آقایان می گویند در کشورهای

دیگر کیلویی ۱۶ هزار تومان است. ولی نمی گویند که آنجا حقوق کارگر ۸۰۰ هزار تا ۱ میلیون تومان است. در صورتی که ما بعد از ۲۰ تا ۲۵ سال کار ماهی ۲۰۰ تا ۲۷۰ هزار تومان حقوق می گیریم. دیگر نمی شود زندگی کرد. برای ۵۰ متر بنا باید ماهی ۴۰۰ هزار تومان اجاره بها بدهیم. در طول کمتر از یک سال قیمت زمین و ملک ۱۰۰٪ افزایش داشته است. چرا!!! متاسفانه آقایان وام رami دهند به آقایان برج ساز که اگر متری دومیلیون تومان می خرند، متری چهارمیلیون تومان برایشان بفروشند. متاسفانه وضع بخرنجی است. امروز جوان ما نمی تواند تشکیل زندگی بدهد، یعنی شغل ندارد که بتواند و اگر هم داشت کفاف نمی داد...

کارگر دیگری به محبوب نزدیک شد و گفت: " حاج آقا قرار بود برای شهریه ی کارگران دانشجوی عضو خانه ی کارگر تخفیف قائل شوند". محبوب از یکی از همراهانش می خواهد که شرایط دریافت تخفیف و وام را برای او توضیح دهد ، همراه وی بدون پرده پوشی توضیح می دهد: "چند تا تیک داری؟!!!" کارگر می گوید تیک دیگر چیست؟ و توضیح می دهد اعضایی که در مراسم ها ، تجمع ها و برنامه های خانه کارگر شرکت کنند نمره ی مثبت می گیرند و جلوی اسمشان تیک میخورد!! حالا شما بگو ببینم چند تا تیک گرفتی؟! کارگر میگوید من که از این موضوع اطلاع نداشتم . و باز توضیح می شنود که مثلا امروز که در این مراسم شرکت کرده ای یک تیک می گیری. ولی باید به مسئول حوزه ات بگی که اینجا هستی تا وی جلوی اسم تو علامت حضور بزند. باز مثال می آورد ، آنهایی که در انتخابات فعالانه شرکت کردند و برای محبوب تبلیغ نموده اند، تیک می گیرند!! و یا آنهایی که در حرم مطهر حضور داشته اند هم تیک می گیرند و یا هر جای دیگری که ما اعلام کنیم. حالا اگر یک یا دو تیک دریافت کرده باشی ۵٪ تخفیف می گیری ، اگر ۲۰ تیک بگیری تا ۸۰٪ تخفیف و مزایا شامل حالت میشود. حالا شما چند تا تیک داری!؟

علی رضا اخوان

۱۳۸۷/۲/۱۳

انجمن بدون مرز